

جهان کم توسعه یافته در رویارویی با عصر سرعت

از شهیندخت خوارزمی

در کشورهای پیشرفته نه تنها فرایند تولید سرعت یافته است، بلکه دادوستدها نیز با سرعت بیشتری انجام می‌شود. امروزه مفهوم «زمان واقعی» (REAL TIME) وارد ادبیات مدیریت شده است. زمان واقعی به یک معنا، پاسخگویی به رویدادها درست در همان لحظه وقوع است. انجام کارها طبق زمان واقعی به شیوه‌های تازه‌ای در مدیریت نیاز دارد و جهان پیشرفته در این مسابقه جنون‌آمیز سرعت توانسته است مدیریت نوینی را بنیان گذارد که طبق آن، دادوستد، فعالیت مالی، برآوردن نیازهای تولید و بسیاری کارهای دیگر طبق زمان واقعی انجام می‌شود. این امر نعمتها کیفیت و محصولات تولیدشده را بالا برده است، بلکه همان کالا با هزینه به مراتب کمتری تولید و عرضه می‌شود. رقابت با چنین محصولاتی در بازارهای جهانی برای تولیدکنندگان کشورهای کند، روزبروز دشوارتر می‌شود. این امر از جهات دیگری نیز برای کشورهای کم توسعه یافته و در حال توسعه نگران‌کننده است. در شرایط کنونی با شکست استراتژی‌های مرسوم توسعه اقتصادی از جمله جایگزینی واردات، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته صادرات را محور برنامه‌های خود قرار داده‌اند و همگام با آن در برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی خود تکنولوژی را به عنوان عاملی تعیین‌کننده گنجانده‌اند. این کشورها، هم به جهت تأمین منابع ارزی به بازارهای جهانی نیاز دارند و هم برای دسترسی به منابع تکنولوژیک کشورهای پیشرفته. به ناچار باید چاره‌ای بیندیشند. اما تحولاتی روی داده که در مواردی به زیان آنها تمام شده است.

برخی از این تحولات به این شرح است:

موقعیت‌های از دست رفته:

۱- در گذشته کشورهای پیشرفته صنعتی، برای بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی کشورهای در حال توسعه و کم‌توسعه یافته، بسیاری از صنایع خود را

از پایان جنگ جهانی دوم به این سو، جهان ابتدائیان سرمایه‌داری و کمونیسم تقسیم شد و سپس میان شمال و جنوب. امروزه با فروپاشی مرزهای مرسوم، تقسیم‌بندی تازه‌ای مطرح شده است. برخی صاحب‌نظران جهان را به کشورهای تند و کند تقسیم کرده‌اند و بر این عقیده‌اند که قدرت در همه جا از کند به تند در حال جابجایی است.^(۱) عامل بنیادین این تقسیم‌بندی سرعت است. اقتصاد کشورهای تند، سریع‌تر از اقتصاد کشورهای کند، ثروت و در نتیجه قدرت تولید می‌کند. عامل سرعت، روابط میان این دودسته کشورها را به کلی دگرگون ساخته است.

سرعت، محصول تکنولوژی‌های پیشرفته است. این تکنولوژی‌ها فرایند تولید را سرعت بخشیده‌اند و زمان را به مهم‌ترین عامل رقابت پذیری تبدیل کرده‌اند. تا آنجا که رقابت برسر این است که سریع‌تر و در فاصله زمانی کوتاه‌تری محصولی وارد بازار شود. اما، نکته مهم آن است که تسریع فرایندها و سرعت بخشیدن به عملیات خود در گرداننده‌ها و اطلاعات پیشرفته‌ای است که به راحتی قابل کسب نیست. در واقع، کوتاه کردن فاصله‌های زمانی، به آگاهی‌ها و دانائی‌های پیشرفته‌ای نیاز دارد. کشورهای پیشرفته صنعتی، خود تولیدکننده این اطلاعات و دانائی‌ها هستند و به همین دلیل بیش از پیش بر قدرت و نفوذ آنها افزوده می‌شود و افزون بر استیلای کامل بر بازارهای جهانی، قدرت سیاسی و فرهنگی فزاینده‌ای نیز پیدا کرده‌اند. در این میان، دستمای از کشورها که برای هماهنگ شدن با این سرعت روز افزون، سخت تلاش می‌کنند تا حدی موفق شده‌اند، ولی دستمای دیگر همچنان در خواب غفلت به سر می‌برند و با تاخیری چشمگیر از قافله عقب مانده‌اند.

نگرفته است.

جهان سوم چه باید بکند؟

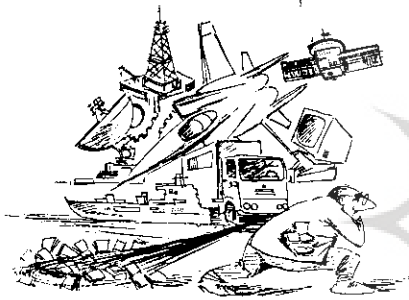
به هر حال، کشورهای جهان سوم یا کشورهای کند باید موقعیت خود را از نو ارزیابی کنند و برای تحقق هدف‌های خود استراتژی‌های جدیدی درپیش گیرند.

این استراتژی‌ها، باید به مهمترین کمبود این کشورها توجه کند و آن، دانایی مربوط به همه حوزه‌ها به‌ویژه اقتصاد است. در زمینه صنعت شاید بتوان بر موارد زیر تأکید گذاشت:

در درجه اول، دولت در این کشورها باید برای خود نقشی تازه تعریف کند و نیرو و منابع خود را به جای امور جاری و روزمره صرف مسایل درازمدت و پراهمیت کند.

دولت، در کشورهای جهان سوم نتوانسته است نقشی شایسته ایفا کند و بیشتر مداخله‌گر و مجری بوده است تا برنامه‌ریز و

*** آموزش باید به ارتقای کیفیت محصول کمک کند و به کارکنان در هر سطحی در زمینه‌های آموزشی آموزش داده شود که بتوانند رقابت پذیری محصول را بالا ببرند.**



*** راه قرن بیست و یکمی توسعه اقتصادی، به کارگیری مغزهاست. تنها با تکنولوژی‌های پیشرفته ارتباطی-اطلاعاتی است که اطلاعات به سرعت جریان می‌یابد و مغزهای افراد این جوامع به کار می‌افتد.**

هدایت‌کننده. به‌ویژه در زمینه صنعت، دولت باید اداره واحدهای صنعتی را به مردم واگذار کند و خود به عنوان ناظری دلسوز، امکانات و خدماتی را در اختیار آنها قرار دهد که به رشد و شکوفائی‌شان بینجامد. امروزه، روند واگذاری به بخش خصوصی همگام با آزادسازی اقتصادی در بسیاری کشورها از جمله کشور ما آغاز شده است.

این امر، هر چند گام بسیار مثبتی است، ولی اگر طبق اصول تحقق‌پذیرد، چه بسا هدف اصلی که سودآور کردن واحدها و رقابت‌پذیر کردن محصولاتشان در سطح جهانی است، تحقق نیابد. شرط اصلی توفیق در خصوصی‌کردن واحدهای صنعتی حرکت به سمت آزادسازی اقتصادی است. واحدهای خصوصی‌شده اگر مجبور باشند، برای هر کاری با بخش دولتی که تنها دستوردهنده است، سروکار یابند، و یا با نظام بانکی در ارتباط باشند که به ظاهر انگیزه‌های بازرگانی دارد، ولی در واقع تفکر سود بر آن حاکم نیست، مطمئناً گرهی از مشکلات اقتصادی باز نخواهد شد و یا اگر خصوصی‌شدن در فضایی پیش‌رود که قوانین آن از جمله قوانین مالیات و کسب

به این کشورها انتقال می‌دادند. اما اکنون به دلیل آن که پاسخ‌گویی به تقاضاهایی که سرمایه‌گذاری مشترک در جهان کم‌توسعه یافته مطرح می‌کند، بسیار کند است، روندی معکوس آغاز شده است و بسیاری از صنایع اروپایی و آمریکایی و ژاپنی از کشورهای جهان سوم به وطن اصلی خود باز می‌گردند. زیرا هم آن مزیت‌های نسبی گذشته رنگ باخته است و هم کندی روند فعالیت‌ها، تولید صنعتی را پرهزینه کرده است.

۲- در کشورهای در حال توسعه پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک خارجی یکی پس از دیگری با شکست مواجه می‌شوند. زیرا کشورهای جهان سوم نمی‌توانند به موقع به تعهدات خود پاسخ دهند و اهمیت سرعت و زمان را درمبادله اطلاعات و کالا و خدمات درک نکرده‌اند و به طور کلی برای شریک خارجی خود قابل اتکاء نیستند. این مشکلات باعث شده که هزینه روزافزونی بر تولید تحمیل شود و رقابت‌پذیری محصول این سرمایه‌گذاری‌ها کاهش یابد. به طور کلی یک دیوار عظیم فرهنگی میان کشورهای کندوتند وجود دارد که عامل اصلی عدم توفیق پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک خارجی است. از سوی دیگر قوانین و مقرراتی دست‌وپاگیر در این کشورها وجود دارد که پیشبرد کارها را کند کرده است. مهم‌تر از آن نقش کنترل‌کننده دولت است که در بسیاری موارد به صورت بازدارنده عمل می‌کند.

۳- در گذشته برخی از کشورهای جهان سوم از جمله کوبا و فیلیپین با بهره‌گیری از تنش‌های میان آمریکا و شوروی موقعیت استراتژیک خود را به یکی از این دو کشور یا هر دو می‌فروختند و یا اجاره می‌دادند. کوبا سالانه ۵ میلیارد دلار از شوروی دریافت می‌کرد. اکنون با کاهش تنش‌های میان این دو بر قدرت، این منبع درآمد ارزی قطع شده است و به برنامه‌های توسعه این کشورها آسیب سختی وارد آمده است.

۴- برخی کشورهای جهان سوم دارای اقتصادی تک‌محصولی هستند و نیاز ارزی آنها از محل صدور حجم عظیمی از یک نوع ماده خام چون مس و بوکسیت و نفت تامین می‌شود. پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی دو تأثیر مهم در این زمینه داشته است. نخست، مواد جدیدی کشف شده و یا می‌شود که اهمیت مواد قبلی را کاهش می‌دهد. این مواد جدید، قبلاً فاقد ارزش بوده‌اند. برای مثال، پیشرفت‌های فوق‌هادی‌ها

باعث شده است تا سیلیسیم که در طبیعت فراوان است و قبلاً ارزشی نداشت، ناگهان به ماده‌ای پرارزش تبدیل شده و با تجاری شدن محصولات آن، جای مس را در صنعت برق خواهد گرفت. هریک از مواد با ارزش کنونی نیز در گذشته چنین بوده‌اند. با کشف هر ماده جدید، کشور دارنده آن به منبع پرارزشی دست می‌یابد که ناگهان موقعیت اقتصادی-سیاسی آن را دگرگون می‌سازد.

به عکس، هر ماده جایگزینی که کشف می‌شود، موقعیت دارنده ماده اصلی را تضعیف خواهد کرد. دوم، پیشرفت‌های تکنولوژیکی نیاز به مواد خام را کاهش داده است. برای مثال، با افزایش بهره‌وری و کارایی فرایند تولید، نیروی کار، مواد، ماشین‌آلات و دیگر عوامل تولید، که با استفاده از روش‌ها و تکنولوژی‌های پیشرفته حاصل شده، ژاپن توانسته است در سال ۱۹۸۴ با استفاده از ۶۰ درصد مسوادی که در سال ۱۹۷۳ به کار می‌برد، به همان میزان تولید صنعتی دست یابد. به بیانی دیگر با مقادیر کمتری مواد، ۴۰ درصد بیشتر تولید کرده است. این دو تحول موقعیت کشورهای دارنده مواد خام مرسوم را به خطر می‌اندازد.

۵- در کشورهای در حال توسعه و کم‌توسعه یافته مهم‌ترین مزیت نسبی، نیروی کار ارزان بود. امروزه اهمیت این عامل در صنعت کاهش یافته است تا آنجا که نیروی کار تنها ده درصد هزینه‌های تولید را در کشورهای پیشرفته تشکیل می‌دهد. به جای آن تکنولوژی‌های پیشرفته و سازماندهی و مدیریت نوین و نظام‌های کارآ و نیروی کار آزموده و دارای مهارت‌های سطح بالا اهمیت روزافزونی یافته‌اند. نیروی کار مورد نیاز صنایع پیشرفته باید از تحصیلات و سطح مهارت‌های بالایی برخوردار باشد و در عوض دستمزد بیشتری دریافت می‌دارد. به بیانی دیگر نیروی کار زیاد و ارزان و غیرماهر جای خود را به کارکنان انگشتشمار و گران و

ماهر داده است و این چیزی است که در کشورهای جهان سوم هنوز شکل

ضد آن عمل کند، مشکلی حل نمی‌شود. به هر حال، گام نخست، آمادسازی محیط برای فعالیت بخش خصوصی است و در چنین محیطی، نقش دولت و بخش خصوصی از نو تعریف می‌شود.

نکته دیگر آن که بسیاری از کشورهای جهان سوم، همان گونه که ذکر شد به گسترش صادرات صنعتی روی آوردند. از جمله کشور ما، طی برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی-اجتماعی خود، کسب ۷ میلیارد دلار از محل صادرات صنعتی را هدف قرار داده است. اما، تاکنون که سه سال از اجرای این برنامه می‌گذرد، آن گونه که پیش‌بینی می‌شد، توفیقی به دست نیامده است. پایین بودن سطح صادرات در هر کشور می‌تواند دو دلیل داشته باشد: نخست اینکه، آن کشور نتوانسته است کالاهایی تولید کند که از نظر کیفیت قابل رقابت در بازارهای جهانی باشد. دوم، کالاهایی با کیفیت جهانی تولید می‌کند، ولی به دلیل عدم آشنایی با بازارهای جهانی و قوانین حاکم بر آن از یک سو و ضعف مهارت‌های بازاریابی از سوی دیگر، و نیز نبود پشتیبانی مناسب دولت و وجود و مقررات محدود کننده، نمی‌تواند آن کالاها را آن گونه که باید صادر کند.

برای حل مشکل اول، که گریبانگیر کشور خود ما نیز هست می‌توان پیشنهادی به شرح زیر ارائه داد. البته لازم است که روی این پیشنهاد کار شود و همه ابعاد آن با دقت مورد بررسی قرار گیرد.

۱- دولت و بخش خصوصی به طور هماهنگ، بالا بردن کیفیت محصولات را هدف استراتژیک تلقی کنند.

۲- برای تحقق این هدف، دولت جهت شناسایی تنگناهای موجود صنعت، در چند رشته استراتژیک که ایران دارای مزیت نسبی است و می‌تواند راحت‌تر از رشته‌های دیگر به بازارهای جهانی نفوذ کند، چند واحد صنعتی را برگزیند.

۳- برای محصولات آن چند صنعت استانداردهایی در سطح بین‌المللی تدوین کند.

۴- وضع موجود واحدهای برگزیده را به دقت ارزیابی نماید تا برای هر کدام علل پایین بودن کیفیت محصول شناسایی شود. از قبل می‌توان فهرستی کامل از عوامل تعیین کننده برای ارزیابی وضع موجود تهیه کرد. برای تهیه این فهرست می‌توان وضعیت یک واحد موفق را که در همان زمینه در خارج از کشور فعالیت داشته و بیشترین سهم بازار جهانی را در اختیار دارد، از نزدیک مورد بررسی دقیق و جامع قرار داد. این بررسی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- مدیریت و سازماندهی: نظامها و روشها و اصول حاکم بر آن.

- فرآیند تولید: طراحی و مهندسی.

- نیروی انسانی: سطح مهارت‌ها و انگیزش‌ها.

- آموزش: برنامه‌ها و نحوه برخورد با آن.

- پژوهش: چگونگی ربط آن با فعالیت‌های درونی و بیرونی واحد.

- نظام‌های اطلاعاتی: گردش اطلاعات و سرعت آن.

- بازاریابی: مهارت‌ها و رویدادها و نحوه برخورد

- برخورد با نوآوری و پرورش آن در کارکنان

- سرعت فعالیت‌ها

برای هر کدام از موارد فوق، باید شاخص‌هایی کمی و قابل اندازه‌گیری به دست آورد. البته این موارد و موارد دیگری که در هر واحدی مهم تلقی می‌شود، باید با توجه به یک عامل ارزیابی شود و آن این است که آیا هر کدام به ارتقای کیفیت محصول کمک می‌کنند یا خیر؟ برای مثال در واحدی ممکن است R&D وجود داشته باشد ولی فعالیت آن ربطی به کیفیت محصول تولید شده نداشته به ارتقای آن کمکی نکرده باشد. مطمئناً آن R&D باید از نو سازماندهی شود و تمامی امکاناتش در جهت تحقق این هدف به کار گرفته شود.

فعالیت آموزشی نیز چنین است. آموزش باید به ارتقای کیفیت محصول کمک کند و به کارکنان در هر سطحی در زمینه‌هایی آموزش داده شود که بتوانند رقابت‌پذیری محصول را بالا ببرند.

به هر حال وضع موجود هر واحد را می‌توان در این چارچوب ارزیابی

• ما به بمباران اطلاعات کاربردی علمی در همه زمینه‌ها نیاز داریم و خوشبختانه این تکنولوژی‌ها، امروز با سهولت بیشتر و قیمتی ارزان‌تر در اختیار ماست.

• باید نهضت مدیریت علمی راه افتد و گسترش یابد و مدیرانی بتوانند با ذهنیتی باز و شخصیتی خطر جو و پر جرات و در عین حال مسئولیت‌پذیر و مجهز به آگاهی‌های جدید و مهارت‌های سطح بالا بر راس امور گمارده شوند.

کرد.

۵- در هرواحد باتوجه به کمبودها وضعف‌هایی که شناسایی شده است، می‌توان برای حل مشکلات و ارتقای سطح موجود برنامه‌ریزی کرد. و یک فاصله زمانی تعیین نمود که طی آن واحد بتواند محصولاتی رقابت‌پذیر در سطح جهانی تولید کند.

۶- تجربه‌های به دست آمده را می‌توان به واحدهای دیگر انتقال داد. به طور کلی از میان سازمان‌های موجود، می‌توان سازمانی را برگزید که عهده‌دار تمامی این وظایف شود. اگر چنین رهیافتی اتخاذ شود، کشور می‌تواند طی یک دوره زمانی در چند رشته صنعتی رقابت‌پذیری محصولات خود را به سطح جهانی برساند و راه را برای ارتقای کیفیت دیگر محصولات خود باز کند.

فرصت‌های جبران برای جهان سوم

به طور کلی، کشورهای جهان سوم برای پر کردن شکاف خود با کشورهای پیشرفته، فرصت‌های بسیاری در اختیار دارند. هر چند در برخی زمینه‌ها امکاناتی را از دست داده‌اند، ولی برای جبران آن می‌توانند از فرصت‌های موجود استفاده کنند. برخی از این فرصت‌ها به این شرح است:

۱- برپا داشتن زیر ساخت‌های الکترونیکی پیشرفته، یکی از ضرورت‌هایی است که راه را برای جذب آخرین اطلاعات علمی-تکنولوژیک و تسریع جریان آن در تمامی سطوح جامعه باز می‌کند. راه قرن بیست و یکمی توسعه اقتصادی، به کارگیری مغزهاست. تنها با تکنولوژی‌های پیشرفته ارتباطی اطلاعاتی است که اطلاعات به سرعت جریان می‌یابد و مغزهای افراد این جوامع به کار می‌افتد. ما به بمباران اطلاعات کاربردی علمی در همه زمینه‌ها نیاز داریم و خوشبختانه، این تکنولوژی‌ها، امروز با سهولت بیشتر و قیمتی ارزان‌تر در اختیار ماست.

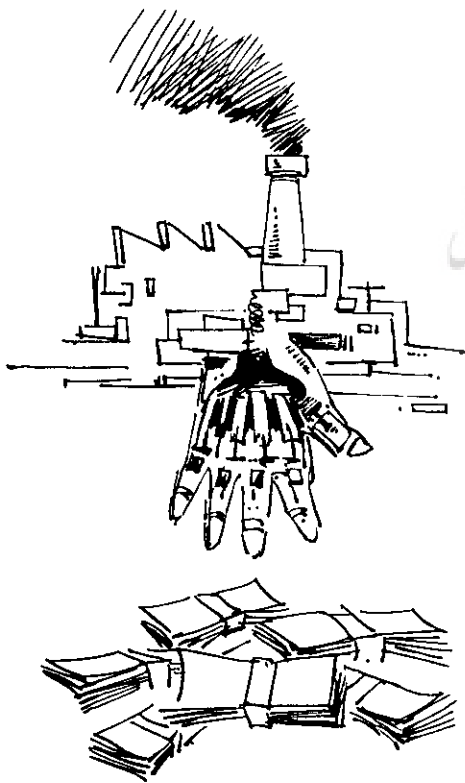
۲- علمی کردن فرایندها و روش‌های مدیریت و سازماندهی الزام دیگری است که این کشورها و از جمله ما با آن مواجهیم. سازمان‌ها و مسایل پیچیده امروز را تنها با مدیریت علمی و روش‌های نوین آن می‌توان اداره کرد. باید نهضت مدیریت علمی براه افتد و گسترش یابد و مدیرانی بتوانند، با ذهنیتی باز و شخصیتی خطر جو و پر جرات و در عین حال مسئولیت‌پذیر و مجهز به آگاهی‌های جدید و مهارت‌های سطح بالا، بر راس امور گمارده شوند. کشورهای جهان سوم، از جمله کشور ما فرصت‌های بسیاری را از دست داده‌اند و دیگر نمی‌توان هزینه عدم کارایی مدیریت را در هیچ زمینه‌ای تحمل کرد. ما به مدیرانی نیاز داریم که در هر سطحی کارکنان خود را به متفکرانی پرتوان و کارآ تبدیل کنند. تجربه‌های جهان پیشرفته در زمینه مدیریت علمی در اختیار ماست. باید از آنها بهره گرفت.

۳- نظام آموزشی در تمامی سطوح با بهره‌گیری از رهیافت‌های جدید به بازسازی نیاز دارد. هدف پرورش نیروی انسانی باید بالا بردن توان جامعه برای کسب قدرت اقتصادی-سیاسی-فرهنگی باشد، آن هم در جهانی که همان گونه که گفته شد، مسابقه‌ای جنون‌آمیز برای بالا بردن سرعت نوآوری‌ها در گرفته است و این مسابقه به زودی به

اقتصاد و صنعت از قوانین خاصی پیروی می‌کنند که اگر آنها را نشناسیم یا زیر پا بگذاریم نه تنها در برآورده کردن نیازهای مادی جامعه شکست خواهیم خورد بلکه نیازهای معنوی نیز تحت فشار سرخوردگی‌های مادی سرکوب می‌شوند و ما می‌مانیم و فرصت‌های بسیاری که از دست رفته است.

راه طولانی خصوصی‌سازی در آلمان شرقی

از: اکونومیست
ترجمه: داود حقیقی



مسابقه مرگ و زندگی ملت‌ها تبدیل خواهد شد. نهادها و نظام‌های آموزشی کهنه و فرسوده موجود توان پاسخگویی به تحولات کنونی را ندارند و فلسفه‌ها، روش‌ها و اصول آنها باید از بنیان متحول شود. برای این کار مدل‌ها والگوها و تجربه‌های موفق کشورهای دیگر در اختیار است و می‌توان از آنها بهره گرفت.

۷- کشورما، در کشاورزی به دلیل تنوع آب و هوا و محصول، مزیت‌های نسبی بسیاری دارد. اگر به کشاورزی با دیدی تازه نگاه شود و از شیوه‌های مدرن و از تمام امکانات تکنولوژی پیشرفته از جمله کامپیوتر و مهندسی ژنتیک

و ماهرها برای بالا بردن بهره‌وری آن استفاده شود، به یقین صادرات محصولات کشاورزی می‌تواند بخشی از نیازهای ارزی ما را تأمین کند.

۸- ما و بسیاری از کشورهای دیگر در زمینه بازاریابی و مبادلات بین‌المللی ضعف بسیاری داریم. هنوز با معیارهای بازار سنتی خودمان با بازارهای جهانی مواجه می‌شویم. صادرکنندگان ما با مهارت‌های پیشرفته و دانش بازاریابی مدرن آشنایی ندارند و قوانین بازارهای بین‌المللی را نمی‌شناسند، اهمیت اطلاعات بازار را در مورد محصول خودشان درک نکرده‌اند و به نظام‌های اطلاعاتی مدرن جهت کسب آخرین اطلاعات طبق زمان واقعی، مجهز نیستند و فرصت‌های باارزشی را از دست می‌دهند و بسیاری ضعف‌های دیگر دارند. از آن گذشته، بسیاری از آنها حتی زبان خارجی نمی‌دانند، آن هم در شرایطی که زبان خارجی به وسیله‌ای برای بالا بردن قدرت چانه‌زنی در مذاکرات با خارجی‌ها تبدیل شده است.

به هر حال، دستیابی به این مهارت‌ها چندان دشوار نیست. امکانات آموزشی بسیاری در این زمینه وجود دارد که می‌توان از آن بهره گرفت. به هر حال، کشورهایی چون ما در چرخشگاه تاریخی قرار گرفته‌اند و دولتمردان آنها وظیفه‌ای حساس بر دوش دارند. اینان باید موقعیت خود را در محیطی جهانی که به سرعت در حال دگرگونی است، به دقت ارزیابی کنند و براساس این ارزیابی که لازم است واقع‌بینانه انجام شود، برای حرکت جامعه هدف تعیین کنند و از تمامی امکانات داخلی و خارجی جهت تحقق آن هدف بهره بگیرند. هر ملتی برای خود آرمان‌ها و آرزوهایی دارد که به یقین در بیان هدف‌ها تجلی می‌یابد. ولی رهیافت علمی حکم می‌کند که میان آرمان‌های نشدنی و ناممکن و هدف‌های تحقق‌پذیر فرق قایل شویم و گرنه به ملتی سرخورده و بی‌هدف و ناهم‌زمان تبدیل خواهیم شد.

اقتصاد و صنعت از قوانین خاصی پیروی می‌کنند. اگر این قوانین را نشناسیم و یا آنها را زیر پا بگذاریم، نه تنها در بر آورده کردن نیازهای مادی جامعه شکست خواهیم خورد، بلکه نیازهای معنوی نیز تحت فشار سرخوردگی‌های مادی سرکوب می‌شوند و ما می‌مانیم و فرصت‌های بسیاری که از دست رفته است. □

۱- به کتاب «جابجایی در قدرت» اثر آلون تافلر مراجعه شود.